



گفت‌وگوی «پیام ما» با «آرمان آری» درباره بازآفرینی متون کهن

وقتی پروفایل نوجوانان «پتش خوآرگر» می‌شود

طرح «بازار مبادله آب» با گذشت دو دهه از تصویب عملیاتی شد

بازاری برای صرفه‌جویی

واقعیت پشت‌پرده توزیع قرص‌های مکمل در مدارس دخترانه ایران

خرافات علیه سلامت دختران



صید و قاچاق پرندگان شکاری در فصل مهاجرت به چالشی برای بقای این گونه‌ها منجر شده است

پرندگان ایران در حراجی‌های عربی

چرا پنج سال است ایران حق عضویت در یونسکو را پرداخت نکرده است؟

فرصت‌سوزی در مجامع جهانی

«سیروس پرهام» از نخستین ویباستاران ایران درگذشت

میراث‌دار واژه‌ها

یادداشت

حق موتورسواری زنان بازخوانی یک ضرورت حقوقی



یا صالح نقره‌کار | وکیل پایه یک دادگستری

پژوهش

نتایج یک پژوهش علمی آشکار کرد

سیه‌مار در کمین جنوب‌شرق

ایپام ما! گسترش پراکنش کرایت ایرانی Bungarus persicus «مار شو» یا «سیه‌مار» در جنوب‌شرقی ایران عنوان مقاله‌ای علمی از «مرتیضی آریازاد»، «علی ترک قشقای»، «پوریا سرداری»، «بهزاد زادحوش»، «مهدی رجیب‌زاده» است. این مقاله به‌خاک‌سوزی در نشریه Bulletin در باره گسترش پراکنش مار سومی کرایت ایرانی در جنوب‌شرقی ایران، یعنی استان‌های کرمان و هرمزگان، نوشته شده است.

بوم‌شناسی مراهی سومی، به‌ویژه در خاورمیانه، کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است، درحالی‌که این منطقه یکی از نقاط داغ جهانی تنوع گونه‌ای این مارهاست. مارهای کرایت از تیره مارهای کبراسان هستند و رفتاری عمدتاً غروب‌زری و شب‌زری دارند. آنها در جنوب و جنوب‌شرق آسیا پراکنش وسیعی دارند و حد غربی پراکنش آنها به ایران می‌رسد.

کرایت ایرانی احتمالاً زیرگونه Bungarus persicus اندونزیایی B. persicus اندونزیایی نامیده می‌شود. وجود خاص نمونه تیپ B. persicus وجود فلس کوچک loreal در دو فرد سر است که در میان کبراسان بسیار نادر است.

گونه نزدیک به آن، B. sindanus، در افغانستان، پاکستان و هند پراکنش دارد و تا ارتفاع ۹۰۰ متر از سطح دریا گزارش شده است. تا سال ۲۰۱۳ هیچ گزارشی از وجود کرایت ایرانی در ایران ثبت نشده بود. کشف اولین نمونه B. persicus در استان هرمزگان در ۱۱ اکتبر ۲۰۲۰ در روستای بنگ شهرستان میناب اتفاق افتاد. بدین‌آل، پژوهش از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ آغاز شد. این مطالعه به کمک مردم محلی انجام گرفت تا محدوده پراکنش این مار در استان‌های کرمان و هرمزگان مشخص شود.

منطقه مورد مطالعه دارای بارندگی کمتر از ۱۵۰ میلی‌متر در سال است و یکی از خشک‌ترین زیستگاه‌های جهانی کرایت‌ها محسوب می‌شود. همیشه

معاون اول رئیس‌جمهور با تأکید بر الزامی شدن پیوست‌های فرهنگی اجتماعی برای طرح‌های کلان، گفت: مسائل اجتماعی و فرهنگی نباید حکومتی شود. «محمدرضا عارف» در جلسه ستاد هماهنگی و راهبری نقشه مهندسی فرهنگی کشور با اشاره به افزایش برخی آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق در استان‌هایی که در مقطعی نرخ بسیار پایینی داشته‌اند، اظهار داشت: افزایش طلاق در استان‌ها و شهرهایی که در گذشته نرخ طلاق بسیار پایینی داشته‌اند، موجب نگرانی است.

او ادامه داد: برای کاهش آسیب‌های اجتماعی باید از سوی مردم و نهادهای مدنی را مشارکت داد؛ زیرا

خبر

معاون اول رئیس‌جمهور:

مسائل اجتماعی و فرهنگی نباید حکومتی شود

بودجه دولتی کفاف حل این آسیب‌ها را نمی‌دهد. از سوی مردم و بخش خصوصی در زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی بهتر از نهادهای دولتی عمل کرده‌اند و انگیزه بیشتری هم دارند. معاون اول رئیس‌جمهور با تأکید بر لزوم اجرایی شدن نقشه مهندسی فرهنگی کشور تأکید کرد: در این زمینه باید از کمک خیرین هم بهره برد. از سویی مسائل فرهنگی و اجتماعی، همچون جشن‌های مذهبی، را نباید حکومتی شود؛ بلکه آنها را به مردم واگذار کرد.

عارف تأکید کرد: استانداران موظف‌اند نقشه مهندسی فرهنگی کشور را اجرا کنند و گزارش عملکرد خود برای فعالیت‌های کلان ملی الزامی است. آریاست‌جمهوری

خبر

مدیرکل پایگاه‌های میراث ملی و جهانی:

طرح جانمایی ایمن برنامه‌های هنری در تخت جمشید در حال تدوین است

در پی برگزاری کنسرت ارکستر فیلارمونیک ارمنستان در محوطه تاریخی تخت‌جمشید و بروز برخی واکنش‌ها و نگرانی‌های کارشناسان حوزه میراث‌فرهنگی، مدیرکل پایگاه‌های میراث ملی و جهانی وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، از تدوین طرحی جامع برای جانمایی ایمن و پایدار برنامه‌های هنری در این مجموعه جهانی خبر داد. «فرهاد عزیزی» در واکنش به انتقاداتی که درباره احتمال آسیب‌های لرزشی و صوتی به سازه‌های باستانی مطرح شده بود، گفت: «محل اجرای برنامه، به‌طور کامل نسبت به نمونه‌های قبلی بازبینی و با فاصله‌های مناسب از صفا اصلی تخت‌جمشید انتخاب شد». عزیزی با اشاره به لزوم صیانت پایدار از این اثر جهانی، تأکید کرد: «منابع صوتی به‌گونه‌ای تنظیم شدند که پشت به آثار قرار داشته باشند. ضمن تنظیم شدت صدا، جهت پخش صدا نیز به‌سمت پردیس و خلاف جهت آثار تاریخی

خبر

۱۱۳ شیء تاریخی در فریدونکنار کشف شد

فرمانده یگان حفاظت اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی مازندران از کشف ۱۱۳ شیء تاریخی فرهنگی در شهرستان فریدونکنار خبر داد. «محمدرضا کردان» روز دوشنبه در نشست شورای اقتصادی مازندران در ساری گفت: در پی گزارش میراث‌بانان افتخاری مبنی بر نگهداری اشیای تاریخی توسط فردی با هویت مشخص در منزل شخصی خود در فریدونکنار، مأموران یگان حفاظت با همکاری پلیس آگاهی و هماهنگی مقام قضائی، از محل مورد نظر بازدید کردند و موفق به کشف و ضبط ۱۱۳ قطعه شیء تاریخی شدند. او افزود: اشیای مکشوفه شامل سکه‌های طلا، نقره و مس، گردنبند، گوشواره، خنجر و سنگ‌های قدیمی مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی است که ارزش فرهنگی و باستانی قابل‌توجهی دارند. فرمانده یگان حفاظت میراث‌فرهنگی مازندران ادامه داد: در این عملیات، سه نفر دستگیر و متهمان برای تحقیقات فنی و طی مراحل قضائی به پلیس آگاهی شهرستان فریدونکنار و دادسرای عمومی و انقلاب معرفی شدند. کردان، از همکاری مؤثر دادستانی و فرماندهی انتظامی شهرستان فریدونکنار در اجرای این عملیات قدرانی کرد. ایرنا



یادداشت

حق موتورسواری زنان بازخوانی یک ضرورت حقوقی

در غیاب منع قانونی، محرومیت زنان از گواهینامه موتور مصداق تبعیض نارواست



یا صالح نقره‌کار | وکیل پایه یک دادگستری

قانونگذاری، فراتر از تنظیم باید‌ها و نباید‌های هنجاری، برپایه ارزش‌هایی بنیادین بنا شده است. نخستین ارزش در این نظام، رفتار برابر با همه شهروندان است؛ اصلی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته است. هرچند تفاوت‌هایی در نگاه قانونی به گروه‌های مختلف وجود دارد، اما تبعیض ناروا در دسترسی به حقوق اساسی، از جمله حق رأی‌دهی، مفایر با روح عدالت‌محور قانونگذاری است. در زمینه صدور گواهینامه رانندگی، اعم از خودرو و موتورسیکلت، هیچ منع قانونی صریحی برای زنان وجود ندارد. ایجاد محدودیت در این حوزه، نه‌تنها فاقد پشتوانه حقوقی روشن است، بلکه نوعی ممانعت از حق تلقی می‌شود؛ حتی که در گردش آزادانه و برابر شهروندان در جامعه معنا می‌یابد. برای رفع چنین موانعی، ضروری است دولت، مجلس و سایر ارکان حکمرانی، در راستای تسهیل دسترسی شهروندان به حقوق بنیادین، به بازنگری در نظام حقوقی کشور بپردازند. اصلاح مقرراتی که ناقص حقوق شهروندی هستند، باید در دستورکار نهادهای تقنینی قرار گیرد. مجلس، به‌عنوان نهاد انحصاری قانونگذاری، وظیفه دارد با تفتیح و بازآرایی قوانین، زمینه تحقق عدالت جنسیتی را فراهم آورد. دولت نیز از طریق ارائه لوایح اصلاحی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی، می‌تواند در این مسیر نقش‌آفرینی کند. براساس قانون اساسی، امکان اصلاح قوانین از طریق مکالیزم‌های پیش‌بینی‌شده، از جمله طرح‌های فوری وجود دارد. در شرایطی که تبعیض جنسیتی در حوزه‌هایی چون رانندگی زنان مطرح است، حکمرانی باید چابک، پاسخگو و در خدمت تضمین حقوق شهروندان باشد. اصل سوم قانون اساسی نیز بر مدیریت بهینه و رفع موانع غیرضروری در مسیر احقاق حق تأکید دارد. نظام تقنینی ایران، با بیش از ۱۲ هزار عنوان قانونی از مشروطه تاکنون، ظرفیت گسترده‌ای برای اصلاح و به‌روزرسانی دارد. تجربه‌های متعدد در بازنگری قوانین، از امور خستگی تا حمایت از کودکان و خانواده، نشان داده که قانون می‌تواند خود را با تحولات اجتماعی تطبیق دهد. در نهایت، باید به پرسشی بنیادین در فلسفه قانون پاسخ داد: آیا قانون شکل‌دهنده هنجارهای اجتماعی است یا بازتاب آنها؟ در موضوع موتورسواری زنان، جامعه آن را ضد ارزش تلقی نمی‌کند. بنابراین، قانون نیز باید با بصیرت اجتماعی همگام شود و از ایجاد موانع اجرایی برای حقوق مشروع شهروندان پرهیز کند.

صید و قاچاق پرندگان شکاری در فصل مهاجرت به چالشی برای بقای این گونه‌ها منجر شده است

پرندگان ایران در حراجی‌های عربی



| فاطمه باباخانی |

| روزنامه‌نگار|

وارد فصل مهاجرت شکاری‌ها شده‌ایم، دوره‌ای که در آن صید و زنده‌گیری این گونه‌ها با انگیزه شکار قاقاق هم افزایش پیدا می‌کند. به‌گفته رضا کیامرزی، پژوهشگر پرندگان شکاری، این روزها نمایشگاه اوپولی در امارات در حال برگزاری است و کسانی که پرنده‌های شکاری و عمدتاً گونه‌های بزرگ‌تر، مانند جیر فالکون و بالابان‌های بزرگ را پرورش می‌دهند، در این نمایشگاه پرندگان خود را عرضه می‌کنند. این نمایشگاه بین‌المللی است و نهادهایی مانند IAF (انجمن بین‌المللی بازاری و حفاظت از پرندگان شکاری) یا IUCN (اتحادیه جهانی حفاظت) نیز غرفه دارند. «تجربه من از حضور ۱۰ تا ۱۵ ساله در این نمایشگاه نشان می‌دهد پرندگانی که به‌صورت قاچاق وارد شده‌اند، در این نمایشگاه به‌شکل علنی ارائه نمی‌شوند. اما اگر چند روز بعد به دبی یا شارجه بروید، مشاهده می‌کنید که چه حجم وسیعی از پرندهای صیدشده از کشورهای ایران، عراق، لیبی، افغانستان، پاکستان، چین، هند، ازبکستان و دیگر کشورهای شمالی وارد این بازارها می‌شوند. نکته جالب اینکه در فضای مجازی خودشان به‌صورت علنی اعلام می‌کنند که پرنده شکاری وحش وارد شده، شماره تماس و آدرس نیز ارائه می‌دهند.»

از نظر این دامپزشک هم‌زمان با بازار و حراج رسمی، یک بازار موازی همیشه وجود دارد. «گرچه تعداد پرندگان پرورشی و کسانی که این پرندگان را پرورش می‌دهند، افزایش یافته است، اما گروهی همیشه طالب خواهان پرندگان وحشی هستند و این خواسته همچنان پابرجاست.»

چرا باید اقبال به بازار سیاه قاقاق وجود داشته باشد، وقتی نمونه پرورشی با ریسک صفر عرضه می‌شود؟ کیامرزی دلیل این تقاضا را به مهارت شکار پرندگان وحشی مرتبط می‌داند. «پرندگان وحشی نسبت به پرندگان پرورشی توان بیشتری برای شکار کردن دارند. دسته دوم در طبیعت پرواز نکرده‌اند، قدرت پرواز و مهارت شکارشان به‌اندازه پرندگان وحشی نیست و در شکار موفق عمل نمی‌کنند. البته در مواردی به‌واسطه جمعیت کم، گونه‌های پرورشی هم هواداران زیادی دارند. به‌عنوان مثال، جیر فالکون که بزرگ‌ترین گونه

یادداشت

تصور خام در سوداگری در قاقاق پرندگان شکاری



| علیرضا هاشمی |

| عضو کارگروه تخصصی کرکس‌ها در IUCN |

در سطح جهانی، پرندگان شکاری همچون عقاب‌ها، سارگیه‌ها، کرکس‌ها و شاهین‌ها با تهدیدات متعددی مواجه هستند که یکی از جدی‌ترین آنها، تجمع آلودگی‌های محیطی در بدن آنهاست. بسیاری از این پرندگان به‌دلیل تغذیه از طعمه‌های آلوده، قبل از رسیدن به سن بلوغ تلف می‌شوند. برای مثال، کرکس‌ها با خوردن لاشه‌های آلوده، دچار تجمع فلزات سنگین در بدن می‌شوند و حتی پیش از زادآوری از بین می‌روند. در ایران ما با چالش دیگری هم مواجهیم که همان صید و زنده‌گیری است. این موضوع سبب شده است نرخ زادآوری در پرندگان شکاری رو به کاهش باشد؛ هم

در حالی که جمعیت پرندگان شکاری در ایران رو به کاهش است.

در حالی که جمعیت پرندگان شکاری در ایران رو به کاهش است.

در حالی که جمعیت پرندگان شکاری در ایران رو به کاهش است.

در حالی که جمعیت پرندگان شکاری در ایران رو به کاهش است.



در سال‌های اخیر بیشتر مصرف داخلی برای «قوش‌بازها» دارد. این پرندمنگر، استان‌های غربی و مرکزی را جزو مناطقی می‌داند که در آنها قوش‌بازی رواج دارد. «هزینه‌ای که برای خرید این پرنده‌ها می‌شود، بسیار پایین‌تر از کشورهای عربی است. درعین‌حال، بسته به سن و نوع گونه نیز قیمت‌ها متغیر است.» شاهین، بحری و بالابان از جمله گونه‌های پرطرفدار در قاقاق هستند؛ به‌ویژه بالابان به‌واسطه قدرت بالا در شکار، هواداران خاص خود را دارد. آیا می‌شود برای حفاظت از این گونه کاری انجام داد و با آموزش برای مردم محلی در پایش از آنها کمک گرفت؟ حبیبی آزاد ریسک چنین فعالیتی را بسیار بالا می‌داند. «من حتی وقتی از کسی می‌شنوم که مشاهده بالابان داشته، از او خواش می‌کنم راجعیه محل جوجه‌آوری این گونه با کسی صحبت نکند. متأسفانه به‌واسطه عدم کنترل ممکن است ورود افراد مختلف به قصد پایش، درنهایت به قاقاق منجر شود.» برای حفاظت از این گونه نیاز به پایش و برآورد جمعیت نداریم؟ این پژوهشگر با دست‌نبدی بالابان‌ها به دو گروه مهاجر و مقیم بیان می‌کند که برای پایش تنها می‌تواند این گونه‌های بومی اتفاق بیفتد. «ما چند شهر و استان با جمعیت مقیم داریم که نمونه آنها شاهرود، استان‌های البرز، تهران یا خراسان هستند و برخی متخصصان به‌شکل محدود پایش انجام می‌دهند.» تهدیدهای پیش روی شکاری‌ها به‌ترتیب اولویت یک تا چهار از نظر حبیبی آزاد این‌طور فهرست می‌شوند؛ اول قاقاق، دوم قاقاق، سوم قاقاق و چهارم تخریب زیستگاه. «گرچه یکی از دلایل مشاهده بالابان در شهرها به تخریب زیستگاه و کمبود طعمه برمی‌گردد، با این‌حال قاقاق سهم بزرگی در کاهش جمعیت آنها دارد.»

□ **حفاظت جزیره‌ای پرندگان جواب نمی‌دهد**

ابراهیمی، حفاظتگر، هم از تغییر الگوی نگهداری از پرندگان در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس می‌گوید: «با توافقات و همکاری‌های که کشورهای حاشیه خلیج‌فارس با کنواسیون منع تجارت گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض خطر اقرارض (سایتیس) داشتند، ترجیح آنها اکنون جایگزینی استفاده از پرندگان شکاری وحشی با پرندگان شکاری متولدشده در اسارت است. جوجه‌آوری پرندگان شکاری در اسارت دشوار است و درنتیجه آنها از متخصصین بین‌المللی برای این امر استفاده می‌کنند. با این‌حال، کماکان استفاده از پرندگان وحشی بازار سیاه خود را حفظ کرده است.» پیش از این توافقات، آنها گونه‌های شکاری را از قاچاقچی‌ها می‌گرفتند. با این‌حال، این مسئله برایشان مشکلاتی به‌همراه داشت؛ مثلاً آنها نمی‌توانستند پرنده قاقاق را به‌شکل قانونی برای شکار به کشورهای دیگر ببرند. «بر اساس توافق انجام‌شده پرندگان شکاری که قبلاً خریداری شده بودند، شناسنامه‌دار شدند و درعین‌حال به کمک بیولوژیست‌های غربی توانستند گونه‌های هیبرید بگیرند.»

اگر همه‌چیز قانونی پیش می‌رود، قاقاق با چه انگیزه‌ای انجام می‌شود؟ به‌گفته ابراهیمی، این گونه‌ها در بازار سیاه فروخته می‌شوند. «اگر ۱۰ سال قبل همه مشتری قاچاقچی‌ها بودند، در حال حاضر تنها کلکسیونرها و کسانی که تمایل به داشتن پرنده قاقاق دارند، این گونه‌ها را می‌خرند. در مواردی هم شاهدیم که یک کلکسیونر هم‌گونه قاقاق دارد که در کشور خودش برای شکار از آن استفاده می‌کند و هم گونه هیبرید، این گونه‌ها را آنها برای شکار در کشورهای مختلف استفاده می‌کنند که شناسنامه دارند و مشکل تردد ندارند.»

از نظر این حفاظتگر مهم‌ترین کاری که برای حل این مشکل در کشور باید انجام شود، تغییر روش حفاظت از پرندگان است. «حفاظت پرندگان در ایران مانند حفاظت پستانداران به‌صورت جزیره‌ای است، درحالی‌که این پرندگان مهاجر هستند. نمی‌توان تنها مناطق حفاظت‌شده را برای حفاظت از آنها تحت پوشش قرار داد، بلکه باید توان حفاظت از حالت ایستا به حال پویا تغییر کند و براساس الگو، زمان و محل‌های مهاجرت آنها باشد.» این حفاظتگر هم مانند حبیبی‌آزاد گفته است مشتریان گونه‌های قاقاق نسبت به گذشته کاهش داشته، هرچند همچنان کسانی هستند که گونه‌های قاقاق را خریداری می‌کنند و همین موضوع به جمعیت این گونه‌ها آسیب می‌زند. او همچنین تأثیر قاقاق سوخت بر قاقاق پرندگان شکاری را هم مهم می‌داند. «رهاشدگی قاقاق سوخت در محروم‌های جنوبی کشور باعث شده است قاقاق پرندگان شکاری و ترانزیت آن از کشورهای دیگر در این محورها بسیار ساده شود. در بسیاری از اوقات شیوه حمل‌ونقل آنها با قاچاقچیان سوخت مشابه‌سازی می‌شود تا ارگان‌های ناظر برخورد متفاوتی با آنها نداشته باشند.»

آرای قضات برمی‌گردد. «برخی قضات نیز به‌دلیل رهاسازی پرنده‌ها، از صدور جریمه خودداری می‌کنند. آنها می‌گویند وقتی پرنده دوباره به طبیعت بازگشته، چرا باید برای قاچاقچی جریمه صادر شود؟ در مورد شکار پستانداران، چون حیوان کشته شده، جریمه اعمال می‌شود. این درحالی‌است که پرندگانی که پس از کشف، رهاسازی می‌شوند، توان بقا در طبیعت را از دست می‌دهند. همچنین، آنها به‌دلیل دور شدن از زیستگاه طبیعی، ابتلا به بیماری، ازدست‌دادن ذخایر بدنی و ضعف عضلانی در زیستگاه جدید قادر به ادامه حیات نیستند. درعین‌حال، نگهداری آنها هم راحل مناسبی نیست؛ زیرا مراکز نگهداری کافی برای این پرندگان وجود ندارد.»

آیا بندرترکمن یکی از مراکز اصلی صید شکاری‌هاست؟ جواب کیامرزی یک «بله» محکم است، هرچند تأکید می‌کند سایر شهرهای شمالی هم درگیر این موضوع هستند. «یکی از گونه‌های مهمی که در این منطقه زیست می‌کند، شاهین مدیترانه‌ای یا مدیترانه پریرگین است. این گونه در محدوده مدیترانه و اروپا زادآوری دارد و جزو گروه بحری‌ها محسوب می‌شود. ما امسال توانستیم زادآوری این گونه را در شمال کشور به‌صورت مستند ثبت کنیم. جمعیت زادآور این گونه در شمال ایران بسیار محدود است و زیستگاه بسیار کوچکی دارد. متأسفانه، همین تعداد اندک نیز در معرض صید و قاقاق قرار دارند. درحالی‌که ما اطلاعات دقیقی از جمعیت و وضعیت حفاظتی آن نداریم. برای مثال، موردی داشتیم که سه‌چهار جوجه از این گونه صید شده بود و قاچاقچیان قصد داشتند با اتوبوس آنها را منتقل کنند که خوشبختانه توسط نیروی انتظامی کشف و ضبط شد.»

کیامرزی معتقد است گونه‌های زادآور شاهین، بالابان و شاهین مدیترانه‌ای بومی ایران که ارزش ژنتیکی بالایی دارند، باید مشابه یوزها شناسنامه‌دار شوند؛ زیرا آنها ذخایر ژنتیک کشورمان محسوب می‌شوند. «باید با تمرکزروی زیستگاه‌های زادآور، اقدام به شناسایی، ثبت و پایش مستمر این پرندگان کنیم و نیروهای حفاظتی را در محل‌های نزدیک آنها به‌کار بگیریم. ضمن اینکه اقدامات حفاظتی مانند عایق‌سازی خطوط برق، آموزش جوامع محلی و… نیز باید پیگیری شود.»

یکی از چالش‌های بزرگ در صید شکاری‌ها به پرندگان بالغ برمی‌گردد. «در گذشته، بیشتر جوجه‌های نابالغ صید می‌شدند، اما اکنون کشورهای عربی تمایل به پرندگان بالغ دارند؛ چون این پرندگان تجربه شکار بیشتری دارند، مقاومتشان دربرابر بیماری بیشتر است و نیاز به آموزش کمتری دارند. صید یک پرنده بالغ، از بین بردن چندین جوجه بالقوه است. حاصل یک جفت پرنده بالغ در سال سه تا چهار جوجه است که حدود ۳۰ درصد تا ۳۵ درصد آنها به مرحله بلوغ می‌رسند. اگر پرنده بالغ صید شود، چرخه تولید نسل آن نیز از بین می‌رود.» برخی معتقدند پرندگان پس از چند سال در کشورهای عربی رهاسازی می‌شوند. آیا این موضوع صحت دارد؟ پاسخ کیامرزی منفی است. «گرچه کشورهای عربی دارای مراکز درمانی مجهز هستند، اما هیچ‌گونه قوانین بازاری و نظارتی مطابق با استانداردهای جهانی مانند آمریکا یا اروپا در این‌کشورها وجود ندارد. در کشورهای عربی، صید و نگهداری پرنده‌های شکاری آزاد است و هیچ محدودیتی از نظر تعداد، روش نگهداری یا خریدوفروش وجود ندارد. گذشته، این کار محدود به شیوخ بود؛ اما اکنون تبدیل به یک فرهنگ عمومی شده است و عملاً همه اقسار بدون نظارت، درگیر این کار هستند.»

او رعایت نکاتی را هم برای رهاسازی لازم می‌داند. «برای رهاسازی موفق، پرندگان باید ابتدا درمان و بازپروری شوند. بسیاری از آنها هنگام کشف دچار استرس، غوغوت، ضعف عضلات و کاهش ذخایر بدنی هستند و نیاز به چند هفته نگهداری در مراکز استاندارد با تجهیزات و کادر متخصص دارند. همچنین، ما به‌صورت فوری نیاز به دو مرکز اصلی در کشور داریم: مرکز تخصصی شمال کشور در گلستان، گلوگاه یا بندرترکمن برای حفاظت از پرندگان زادآور و مهاجر شمالی و دیگر، مرکز جنوب‌کشور در بوشهر یا بندرعباس برای پرندگان قاچاق‌کشف‌شده که از کشورهای همسایه ترانزیت می‌شوند.»

□ **قاقاق اصلی‌ترین عامل تهدید شکاری‌ها**

آرش حبیبی‌آزاد، پرندمنگر، از کاهش حجم قاقاق در سال‌های اخیر خبر می‌دهد. به‌گفته او، کنترل در کشورهای عربی بسیار افزایش یافته و همین باعث شده است خریدوفروش هیبریدهای شکاری (آمیختگی دو گونه یا زیرگونه متفاوت از پرندگان شکاری) رونق بیشتری داشته باشد. «قاقاق شکاری‌ها

هیچ ارزشی ندارد. بنابراین، تعداد زیادی از پرنده‌هایی که وارد بحث تیمارگری می‌شوند، عملاً از این چرخه خارج می‌شوند. با این‌حال، اگر نظارتی روی کار تیمارگران «این پرندگان هر ساله در کشور تولیدمثل می‌کنند و همیشه نرزیصبان، باافاصله بعد از پایان فصل زادآوری، یعنی تقریباً از خردادماه، وارد عمل می‌شوند و هر تعداد جوجه‌ای را که بتوانند صید می‌کنند تا پیش از باز شدن بازار کشورهای عربی مانند امارات و قطر که معمولاً از نیمه شهریور آغاز می‌شود، آنها را نگهداری و به فروش می‌برسانند.» شیوه دوم به پرندگان مهاجر مربوط است که از نیمه شهریور وارد ایران می‌شوند. «در این زمینه، دو مسیر مهاجرتی اصلی داریم، مسیر شمال‌شرقی کشور که منطقه بندرترکمن و خراسان‌شمالی است. این محدوده یکی از مناطق اصلی ورود بالابان‌های مهاجر است. صیادان بسیاری همین حالا در این نواحی مستقر شده‌اند، همراه با موتور تریل‌ها و کپوت‌هایی که به آنها «خفتجه» گفته می‌شود. محل‌های صید حتی سرقفلی دارند؛ به‌این‌معنا که صیاد جدیدی اجازه ورود به آن نقطه را ندارد. جنوب‌شرق یعنی در امتداد دریای عمان، دومین مسیر مهاجرت است که از مناطقی چون چابهار آغاز می‌شود. در این مسیر، بیشتر بحری‌های مهاجر وارد کشور می‌شوند که ارزش و قیمت بسیار بالایی دارند.»

سومین بعد ماجرای قاقاق به ترانزیت محموله‌های قاقاق برمی‌گردد. «ایران یکی از مسیرهای اصلی ترانزیت قاقاق پرندگان است. بسیاری از پرندگانی که در افغانستان، پاکستان یا کشورهای آسیای میانه صید شده‌اند، از طریق مرزهای خاکی وارد ایران و تا بندر بوشهر یا هرمزگان حمل می‌شوند تا از آنجا به کشورهای عربی ترانزیت شوند. برای مثال، گونه‌هایی مانند «بلک‌شاهین» که زیستگاه آنها در پاکستان یا هند است، در محموله‌های قاقاق مشاهده شده‌اند.» آیا ممکن است برخی از پرندگان شکاری تحت عنوان «تیمارگری» وارد فرایند قاقاق شوند؟ از نظر این دامپزشک، چنین احتمالی اندک است. «پرنده برای مشتریان زمانی ارزش دارد که سالم باشد. پرنده‌ای که شاهپرایش کشته‌س یا بال کشته‌س داشته باشد، عملاً

هیچ ارزشی ندارد. بنابراین، تعداد زیادی از پرنده‌هایی که وارد بحث تیمارگری می‌شوند، عملاً از این چرخه خارج می‌شوند. با این‌حال، اگر نظارتی روی کار تیمارگران «این پرندگان هر ساله در کشور تولیدمثل می‌کنند و همیشه نرزیصبان، باافاصله بعد از پایان فصل زادآوری، یعنی تقریباً از خردادماه، وارد عمل می‌شوند و هر تعداد جوجه‌ای را که بتوانند صید می‌کنند تا پیش از باز شدن بازار کشورهای عربی مانند امارات و قطر که معمولاً از نیمه شهریور آغاز می‌شود، آنها را نگهداری و به فروش می‌برسانند.» شیوه دوم به پرندگان مهاجر مربوط است که از نیمه شهریور وارد ایران می‌شوند. «در این زمینه، دو مسیر مهاجرتی اصلی داریم، مسیر شمال‌شرقی کشور که منطقه بندرترکمن و خراسان‌شمالی است. این محدوده یکی از مناطق اصلی ورود بالابان‌های مهاجر است. صیادان بسیاری همین حالا در این نواحی مستقر شده‌اند، همراه با موتور تریل‌ها و کپوت‌هایی که به آنها «خفتجه» گفته می‌شود. محل‌های صید حتی سرقفلی دارند؛ به‌این‌معنا که صیاد جدیدی اجازه ورود به آن نقطه را ندارد. جنوب‌شرق یعنی در امتداد دریای عمان، دومین مسیر مهاجرت است که از مناطقی چون چابهار آغاز می‌شود. در این مسیر، بیشتر بحری‌های مهاجر وارد کشور می‌شوند که ارزش و قیمت بسیار بالایی دارند.»

سومین بعد ماجرای قاقاق به ترانزیت محموله‌های قاقاق برمی‌گردد. «ایران یکی از مسیرهای اصلی ترانزیت قاقاق پرندگان است. بسیاری از پرندگانی که در افغانستان، پاکستان یا کشورهای آسیای میانه صید شده‌اند، از طریق مرزهای خاکی وارد ایران و تا بندر بوشهر یا هرمزگان حمل می‌شوند تا از آنجا به کشورهای عربی ترانزیت شوند. برای مثال، گونه‌هایی مانند «بلک‌شاهین» که زیستگاه آنها در پاکستان یا هند است، در محموله‌های قاقاق مشاهده شده‌اند.»

آیا ممکن است برخی از پرندگان شکاری تحت عنوان «تیمارگری» وارد فرایند قاقاق شوند؟ از نظر این دامپزشک، چنین احتمالی اندک است. «پرنده برای مشتریان زمانی ارزش دارد که سالم باشد. پرنده‌ای که شاهپرایش کشته‌س یا بال کشته‌س داشته باشد، عملاً

کشورهای آسیای میانه به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس قرار

دارد. بسیاری از پرندگانی که توسط مرزبانی، پلیس کالا یا سازمان حفاظت محیط‌زیست ضبط می‌شوند، پرندگانی هستند که از این کشورها وارد شده‌اند و قصد عبور از ایران را دارند. بنادر

جنوبی کشور، مسیر اصلی انتقال این پرندگان به کشورهایی قطر به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز خریدوفروش پرندگان شکاری هستند. این وضعیت نشان می‌دهد ایران علاوه‌بر صید داخلی، درگیر مبارزه با یک شبکه سازمان‌یافته قاقاق بین‌المللی است.

در کنار این مسائل، شرایط اقتصادی کنونی نیز به‌گونه‌ای است که بسیاری از افراد حتی برای کسب درآمدی اندک به صید پرندگان روی آورده‌اند. در غیاب نظارت و مدیریت مؤثر، انگیزه برای زنده‌گیری افزایش یافته است. نمونه آشکار این وضعیت، ماجرای فریدونکنار است که سال‌هاست به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی صید و قاقاق حیات‌وحش مطرح است و به‌رغم هشدارهای فراوان، هیچ اقدام مؤثری برای توقف این روند توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست صورت نگرفته است.

وقتی صیدکنندگان غیرقانونی بدون هیچ‌گونه برخوردی فعالیت می‌کنند، سایر افراد نیز ترغیب می‌شوند به این مسیر وارد شوند. تصور عمومی این است که صید و زنده‌گیری سودآوری بالایی دارد،

درحالی‌که قیمت پرندگان شکاری در چند سال اخیر افزایش چشمگیری نداشته است. این تصور نادرست باعث شده برخی به طمع سودآوری وارد این عرصه شوند، درحالی‌که میزان درآمد واقعی بسیار پایین‌تر از تصورات است.

در همین راستا سازمان حفاظت محیط‌زیست باید اطلاعات روشنی درباره ارزش زیستی و اقتصادی گونه‌های مختلف ارائه دهد تا مردم بدانند که تنها برخی گونه‌ها دارای ارزش تجاری‌اند و بسیاری از گونه‌ها مانند سارگیه، دلچیه، کرکس و عقاب نباید بی‌دلیل صید یا از لانه خارج شوند. آگاهی عمومی نسبت به این موضوع می‌تواند نقش مهمی در کاهش صید غیرمجاز ایفا کند و به نجات گونه‌های مختلف منجر شود و درعین‌حال، تصور خام از سوداگری در این حوزه را هم از بین ببرد. نکته قابل‌تأمل دیگر این است که صیادان اغلب مسیرهای مهاجرت و نقاط توقف پرندگان را بهتر از سازمان‌های رسمی می‌شناسند و به همین دلیل، در اجرای عملیات زنده‌گیری موفق‌تر عمل می‌کنند. این خود بیانگر لزوم تدوین یک رویکرد منطقی و مبتنی‌بر واقعیت برای مدیریت این بحران است؛ نه اینکه همچنان رویکرد «نمی‌گویم» یا «نمی‌دانم» را سازمان حفاظت محیط‌زیست در پایش بگیرد و تصور کند با نگفتن محل زندگی این پرندگان و فقدان آموزش می‌تواند این بحران را مدیریت کند.

طرح «بازار مبادله آب» با گذشت دو دهه از تصویب عملیاتی شد

بازاری برای صرفه‌جویی

کشاورزان می‌توانند با استفاده از ابزارهای نوین آبیاری و افزایش بهره‌وری، در مصرف سهم آب معین خود صرفه‌جویی کنند و حجم صرفه‌جویی‌شده را در بازار آب به فروش برسانند



احمد ریاحی - دهکوی - تهران

ایپام ما از سال گذشته راه‌اندازی بازار مبادله آب، از سوی وزارت نیرو به‌عنوان راهی برای واقعی کردن قیمت آب، افزایش بهره‌وری و کاهش مصرف هدف قرار گرفت. بازاری با سازوکار جدید و قابل اجرا در بورس. بنابر اعلام وزارت نیرو، کشاورزان می‌توانند با استفاده از ابزارهای نوین آبیاری و افزایش بهره‌وری، در مصرف سهم آب معین خود صرفه‌جویی کنند و حجم صرفه‌جویی‌شده را در بازار آب به فروش برسانند. اگرچه این بازار منتقدانی هم دارد، اما به‌طور کلی، ایده بازار بهره‌وری مورد وثوق بخش خصوصی است. طبق اعلام وزارت نیرو، بازار مبادله آب در حال حاضر و بین بخش‌های مختلف مصرف در پنج منطقه آزمایشی منتخب در دشت‌های اردکان، قزوین، خواف، سمنان و کاشان عملیاتی شده است.

فروش صرفه‌جویی، جایگزین مصرف

با هدف تحقق برنامه هفتم، راه‌اندازی بازار آب به‌عنوان یکی از اهداف وزارت نیرو اعلام شد. براساس آنچه وب‌سایت خبری وزارت نیرو اعلام کرده است، طبق این طرح، کشاورزان می‌توانند با استفاده از ابزارهای نوین آبیاری و افزایش بهره‌وری، در مصرف سهم آب معین خود صرفه‌جویی کنند و حجم صرفه‌جویی‌شده را در بازار آب به فروش برسانند. مسئولان این وزارتخانه می‌گویند این سیاست تشویقی، علاوه بر کاهش حجم آب مصرفی، می‌تواند برای کشاورزان سودآور باشد.

«عیسی بزرگ‌زاده»، سخنگوی صنعت آب، نیز پیش‌تر در مورد این بازار که بر صرفه‌جویی متمرکز دارد، به «ایپام ما» توضیح داده بود: «بازار بهره‌وری آب راهکاری کلیدی است. اینکه بتوانیم با طرح‌های معیشتی، ارزش‌افزوده ایجاد کنیم و درعین‌حال بازگذاری را کاهش دهیم، مطرح می‌شود. اما طرح معیشت جایگزین هنوز به مرحله اجرا نرسیده، چون منابع مالی آن تأمین نشده است.»

طبق آنچه وزارت نیرو از این طرح منتشر کرده است، بازار مبادله آب بین بخش‌های مختلف مصرف در پنج منطقه

آزمایشی منتخب در دشت‌های اردکان، قزوین، خواف، سمنان و کاشان عملیاتی شده است. این وب‌سایت اطلاع‌رسانی به‌نقل از «سید محمد آهویی»، مدیرکل دفتر اقتصاد و بهره‌وری آب، نوشت: «بازار آب به زیرساخت‌های حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرایی قابل‌توجهی نیاز دارد. در سال‌های گذشته به زیرساخت‌های عملیاتی این طرح پرداخته شده است. در نتیجه این تلاش‌ها، موانع اجرایی طرح بازار آب برداشته شد و مبادله آب در مناطق آهویی ادامه داد: «در بعضی استان‌ها امکان تأمین حجم آب مورد نظر بعضی صنایع یا زیرساخت انتقال آب وجود نداشت. برطرف کردن این اشکال‌ها نیز زمان‌بر بود. خوشبختانه در دولت جدید سامانه مبادله آب ایجاد شد و تا ماه آینده به مرحله اجرا خواهد رسید. بنابراین، خریدار و فروشنده می‌توانند حجم آب مورد نظر برای خرید یا فروش را در سامانه بازرگاری کنند و مبادله انجام شود.»

قیمت قابل توجه

آهویی در ادامه با اشاره به مبادلات آب در مناطق آزمایشی افزود: «حجم آب صرفه‌جویی‌شده در مناطق

آزمایشی طی چند سال گذشته ۸۰۰ هزار مترمکعب و نیمی از مبادلات بین بخش کشاورزی و صنعتی بوده است. حداقل نرخ مبادله به‌صورت متوسط پنج هزار تومان و حداکثر آن نزدیک به ۳۵ هزار تومان بوده است.»

مدیرکل دفتر اقتصاد و بهره‌وری آب با اشاره به اهمیت اجرای طرح بازار آب برای دولت چهاردهم گفت: «منطقه آزمایشی جدید در خراسان‌جنوبی خواهد بود و حداکثر تا یک ماه آینده شیوه‌نامه‌های اجرایی آن نهایی می‌شود و مبادله اتفاق می‌افتد. در گام بعدی اجرای طرح، در هر استان یک دشت را به‌عنوان منطقه آزمایشی انتخاب کردیم. پس از گرفتن نتیجه مطلوب در هر منطقه آزمایشی، بازار آب را به کل آن استان ارتقا می‌دهیم. با این رویه طرح را گسترش می‌دهیم و مناطق آزمایشی ما به دشت‌هایی در سایر استان‌ها نیز تسری پیدا خواهد کرد.»

آهویی گفت: «دشت‌هایی از آذربایجان‌غربی و آذربایجان‌شرقی نیز به‌زودی وارد مناطق آزمایشی خواهند شد. در نیمه دوم سال جاری نیز دشت‌هایی به استان‌هایی که قبلاً وارد طرح شده‌اند اضافه خواهد شد. در زمینه منابع انسانی و زیرساخت‌های لازم،

محدودیت‌هایی در کشور داریم، اما آهسته و گام‌گام در اجرای طرح‌ها پیش خواهیم رفت. تا پایان دولت چهاردهم، تکلیف بازار آب در اکثر استان‌هایی که امکان اجرای طرح را دارند، مشخص می‌کنیم.»

کتابتیبانی قانون

به‌نظر می‌رسد بخش خصوصی آب نیز از این بازار مبادله استقبال می‌کند. «مریم میرزایی»، کارشناس آب، در این مورد می‌گوید: «ماده یک قانون توزیع عادلانه آب یک مانع است که می‌گوید آب مشترکات است، یعنی همه مالک آن هستند. وقتی همه مالک چیزی باشند، یعنی هیچ‌کس مالک آن نیست. به‌همین دلیل، برخی می‌گویند نمی‌توانیم هیچ کاری در این زمینه انجام دهیم. اما ماده ۲۹ و ماده ۴۰ قانون مدنی به ما اجازه‌ای را می‌دهد و می‌گوید بحث مالکیت نیست و حق انتفاع هم مطرح است. ماده ۴۰ قانون می‌گوید اگر چیزی مالک خاصی ندارد، برای آن می‌توان حق انتفاع تعریف کرد. یعنی حقی که به‌موجب آن، شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد، استفاده کند. همچنین، ماده ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه دومین مانع است. خوانشی که از آن شده، این است که انتقال آب امکان‌پذیر نیست؛ در صورتی که ماده ۲۷ قانون می‌گوید هیچ‌کس حق ندارد آب را منتقل کند، ولی اگر وزارت نیرو اجازه بدهد می‌توان آن را انجام داد. پس پروانه بهره‌برداری با اجازه وزارت نیرو به‌عنوان صادرکننده حق انتفاع قابل‌انتقال است. به‌این‌ترتیب، اگر وزارت نیرو بخواهد بازار آب را شکل بدهد، از تعریف حق انتفاع می‌تواند به مبادله برسد. هزینه مبادلاتی این است که خریدار و فروشنده چطور یکدیگر را پیدا کنند؛ هر هزینه‌ای که برای این می‌کنند، هزینه مبادلاتی را بالا می‌برد و برخی معادلات را از چرخه خارج می‌کند. برای حل این مسئله روش‌هایی وجود دارد از جمله توسعه تکنیک‌ها و ابزارهای مذاکره بین طرفین، استقرار نظام تسویه مبتنی بر حسابداری قابل‌انکاف، کاهش هزینه کسب اطلاعات مثلاً با ایجاد بازارهای با مقیاس بزرگ و انتشار مستمر قیمت‌ها و تضمین اجرای قرارداد و تسهیل استفاده از آن، که شرکت‌های بورسی می‌توانند آن را انجام دهند.

بازار بهره‌وری یا بازار مبادله آب براساس سند نقشه راه آب کشور، مصوب سال ۱۴۰۱ و البته موارد مندرج در برنامه هفتم توسعه طراحی شده است. براساس سند نقشه راه، مصرف آب کشاورزی از ۸۲ میلیارد مترمکعب باید به ۵۱ میلیارد مترمکعب برسد، در بخش خدمات و شرب، مصرف آب از ۹ میلیارد مترمکعب باید به ۱۳.۵ میلیارد مترمکعب برسد و مصرف صنعت از ۳۰.۷ میلیارد مترمکعب در سال باید به ۷.۸ برسد.

بازار بهره‌وری یا بازار مبادله آب براساس سند نقشه راه آب کشور، مصوب سال ۱۴۰۱ و البته موارد مندرج در برنامه هفتم توسعه طراحی شده است. براساس سند نقشه راه، مصرف آب کشاورزی از ۸۲ میلیارد مترمکعب باید به ۵۱ میلیارد مترمکعب برسد، در بخش خدمات و شرب، مصرف آب از ۹ میلیارد مترمکعب باید به ۱۳.۵ میلیارد مترمکعب برسد و مصرف صنعت از ۳۰.۷ میلیارد مترمکعب در سال باید به ۷.۸ برسد. این سند، ۱.۹ میلیارد مترمکعب مصرف آب صنعت باید از طریق شیرین‌سازی آب دریا و ۲.۲ میلیارد مترمکعب با روش بازچرخانی پساب تأمین شود. در این سند، ۳۰ میلیارد مترمکعب مصرفی که باید کاهش یابد، ۱۴ میلیارد مترمکعب متعلق به جاهاسات. حدود ۱۶ میلیارد مترمکعب آن شامل افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی و شیرین‌سازی آب دریا و بازچرخانی پساب وظیفه و کار بخش خصوصی است. در کنار آن، شیرین‌سازی ۳.۸ میلیارد مترمکعب در سال و ۶.۶ میلیارد مترمکعب بازچرخانی پساب هم کار بخش خصوصی است.

خشکسالی مصرف سه‌ساله، ایران را بیش‌ازپیش نیازمند مدیریت آب و افزایش بهره‌وری منابع آب کرده است. در دهه‌های گذشته نیز صحبت از مدیریت منابع آب مطرح بود، اما تکیه بر تأمین آب از راه بارندگی به شانه خالی کردن از اجرای برخی طرح‌های زیرساختی در زمینه صرفه‌جویی و بهره‌وری آب منجر شد. طی سال‌های اخیر، افزایش جمعیت، رشد کشاورزی و کاهش بارندگی تأمین آب برای مصارف کشاورزی، صنعتی و خانگی را دشوارتر کرده است. حالا وزارت نیرو پیگیر اجرای طرح‌هایی است که بعضاً پیش از دو دهه خاک خودراند.

برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۷۹ تصویب و ابلاغ شد. برابر تبصره ۲ از بند ه ماده ۱۰۶ این برنامه، به‌منظور حفاظت و سامان‌دهی نظام‌های بهره‌برداری از منابع آب کشور وزارت نیرو موظف است در طول برنامه اقدامات زیربنایی از جمله تقویت بازارهای محلی آب را به انجام رساند. تشکیل «بازار آب» در حدود دو دهه گذشته اجرایی نشد تا نهایتاً در برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت نیز قرار گرفت. فصل هشتم این برنامه با عنوان «نظام مدیریت یکپارچه منابع آب»، مشتمل بر پنج ماده و ۲۲ بند است و از تشکیل بازار آب در آن با عنوان «ایجاد بازار مبادله آب‌های غیرمتعارف» یاد شده است.

گزارش

مالیات سبز می‌تواند به‌عنوان مشوق توسعه تجدیدپذیرها عمل کند

فقر مانع مالیات سبز

ایپام ما نتایج یک پژوهش دانشگاهی نشان می‌دهد مالیات‌های سبز، می‌توانند به عنوان ابزاری مؤثر برای تشویق توسعه داخلی انرژی‌های تجدیدپذیر عمل کنند. این مطالعه می‌گوید اعمال این مالیات‌ها، هزینه‌های استفاده از انرژی‌های آلاینده را برای بنگاه‌ها و مصرف‌کنندگان افزایش می‌دهد و آنان را به سمت سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از راه‌حل‌های بومی و پایدار سوق می‌دهد. این پژوهش به فقر به یک مانع اقتصاد اجتماعی مهم اشاره می‌کند. کشورهای با سطوح بالاتر فقر، با وجود نیاز مبرم به انرژی پاک و ارزان‌قیمت، به‌دلیل محدودیت‌های مالی و زیرساختی، با چالش‌های بزرگی در واردات و بهره‌برداری از فناوری‌های انرژی سبز مواجه هستند.

درحال‌توسعه در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ پرداخت که نتایج این پژوهش بیانگر تأثیر منفی و معنادار مالیات‌های سبز بر واردات تجهیزات انرژی سبز است و افزایش درآمدهای مالیاتی سبز،

«احسان رسولی‌نژاد»، عضو هیئت‌علمی دانشگاه مطالعات جهان دانشگاه تهران، با انجام پژوهشی به بررسی تأثیر مالیات‌های زیست‌محیطی بر واردات انرژی پایدار در بیست اقتصاد

به‌جای تشویق به واردات، به‌عنوان یک محرک قوی برای توسعه داخلی فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر عمل می‌کند و وابستگی به واردات این تجهیزات را کاهش می‌دهد.

ایسنا به‌نقل از او در مورد این پژوهش نوشت: «بیشتر مطالعات پیشین در زمینه مالیات‌های سبز و انرژی پایدار بر کشورهای توسعه‌یافته متمرکز بوده‌اند. این مقاله با تمرکز بر کشورهای درحال‌توسعه، شکاف مهمی در ادبیات موضوع پر می‌کند. یافته‌های این مقاله همچنین می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی ابزارهای مالیاتی کارآمد برای تسریع گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر کمک کند. پژوهش حاضر تنها به بررسی مالیات‌های سبز بسنده نکرده، بلکه نقش متغیرهای دیگری مانند نرخ ارز، نوآوری، مصرف انرژی تجدیدپذیر و فقر را نیز در کنار آن تحلیل کرده است.»

او همچنین یکی از یافته‌های محوری تحقیق را، تأثیر منفی و معنادار مالیات‌های سبز بر واردات تجهیزات انرژی سبز عنوان کرد و گفت: «ضرب منفی (۰.۰۳۳۸) به‌دست‌آمده نشان می‌دهد افزایش درآمدهای مالیاتی سبز، به‌جای تشویق به واردات،

به‌عنوان یک محرک قوی برای توسعه داخلی فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر عمل می‌کند و وابستگی به واردات این تجهیزات را کاهش می‌دهد. همچنین، این مطالعه نشان داد نرخ ارز رسمی تأثیری مثبت بر واردات تجهیزات انرژی سبز دارد. ضریب مثبت (۰.۱۹۵) حاکی از آن است که در کشورهای مورد مطالعه، افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی) موجب می‌شود واردات تجهیزات انرژی سبز از نظر هزینه نسبی مقرون‌به‌صرفه‌تر شود و در نتیجه حجم واردات افزایش یابد. ضریب مثبت (۰.۰۸۹) برای متغیر درخواست‌های ثبت اختراع (به‌عنوان پراکسی نوآوری) نشان می‌دهد پیشرفت‌های تکنولوژیک در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، حتی در کشورهای درحال‌توسعه، موجب تنوع بخشیدن به سبد فناوری‌های قابل‌دسترسی می‌شود و تقاضا برای واردات انواع جدید و کارآمدتر این تجهیزات را افزایش می‌دهد. این امر گویای ارتباط مستقیم بین توانمندی داخلی در عرصه نوآوری و تعمیق اقدام در زنجیره تأمین انرژی سبز است.»

همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد میزان تعهد داخلی به

انرژی‌های پاک، که با شاخص مصرف انرژی تجدیدپذیر سنجیده شده، رابطه‌ای مستقیم با واردات دارد. ضریب مثبت (۰.۱۵۹) نشان می‌دهد کشورهایی که سهم بیشتری از انرژی مصرفی خود را از منابع تجدیدپذیر تأمین می‌کنند، برای حفظ و شتاب بخشیدن به این روند، نیازمند واردات فناوری‌ها و قطعات پیشرفته‌تر هستند. این یافته مؤید آن است که گذار انرژی یک فرآیند تدریجی و وابسته به فناوری است که در مراحل اولیه آن، حتی کشورهای متعهد نیز ممکن است تا حدی به واردات متکی باشند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مالیات‌های سبز می‌توانند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای تشویق توسعه داخلی انرژی‌های تجدیدپذیر عمل کنند، اما برای موفقیت در گذار انرژی، باید سایر عوامل مانند نوآوری، ثبات نرخ ارز و کاهش فقر نیز مورد توجه قرار گیرند. همچنین، این پژوهش بر لزوم طراحی سیاست‌های جامع، شامل مشوق‌های مالیاتی، توسعه مالی سبز، توافق‌های منطقه‌ای و جذب سرمایه‌گذاری خصوصی، برای دستیابی به اهداف انرژی پایدار در کشورهای درحال‌توسعه تأکید می‌کند.

نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
	اداره کل ثبت اسناد و املاک بوشهر
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	برابر برای شماره ۶۶۶۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلاعراض متقاضی احمد رضا راستی زاده در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به مرجع به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دلاخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
شکراله سعادتی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر	شکراله سعادتی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر
از طرف، محمد رضا عرفانیان	از طرف، محمد رضا عرفانیان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹
شناسه آگهی: ۲۰۰۲۳۳۲	شناسه آگهی: ۲۰۰۲۳۳۲

نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
	اداره کل ثبت اسناد و املاک بوشهر
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	برابر برای شماره ۵۱۴۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلاعراض متقاضی علیرضا زارعی فرزند عبدالرسول به شماره شناسنامه ۶۶ و شماره ملی ۳۵۰۰۸۹۶۳۷ صادره از بوشهر در قسمتی از شش دانگ یکباب خانه به مساحت ۱۵۸/۱۶ متر مربع پلاک ۱۳۰ فرعی از ۲۳۱۰ اصلی مفروزی و مجزا شده از ۳۳۰۹ و ۲۳۱۰ اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری مالک رسمی گردیده است
شکراله سعادتی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر	شکراله سعادتی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر
از طرف، محمد رضا عرفانیان	از طرف، محمد رضا عرفانیان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹
شناسه آگهی: ۲۰۰۲۳۳۲	شناسه آگهی: ۲۰۰۲۳۳۲

نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
	اداره کل ثبت اسناد و املاک بوشهر
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	برابر برای شماره ۶۶۶۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلاعراض متقاضی سید علی محمد حسینی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
شکراله سعادتی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر	شکراله سعادتی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر
از طرف، محمد رضا عرفانیان	از طرف، محمد رضا عرفانیان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹
شناسه آگهی: ۲۰۰۲۳۳۲	شناسه آگهی: ۲۰۰۲۳۳۲

نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
	اداره کل ثبت اسناد و املاک بوشهر
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	برابر برای شماره ۶۶۶۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلاعراض متقاضی صابر جعفری فرزند علی به شماره شناسنامه ۸۹۰۲ و شماره ملی ۳۵۱۳۹۶۰۹ صادره از دشتستان در قسمتی از شش دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۴۵/۱۴۵ متر مربع پلاک ۶۲ فرعی از ۳۳۰۹ اصلی مفروزی و مجزا شده از ۳۳۰۹ اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری مالک رسمی گردیده است
شکراله سعادتی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر	شکراله سعادتی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر
از طرف، محمد رضا عرفانیان	از طرف، محمد رضا عرفانیان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹
شناسه آگهی: ۲۰۰۲۴۳۳	شناسه آگهی: ۲۰۰۲۴۳۳

میراث آبی ایران و چالش‌های تاب‌آوری

ناترازی انرژی بی‌عدالتی می‌آورد

ایپام ما| تاب‌آوری و عدالت زیست‌محیطی در مدیریت منابع آب، امروز یکی از مهم‌ترین چالش‌های ایران است. پژوهشگران حوزه آب معتقدند بدون توجه به تاریخچه میراث آبی، مشارکت اجتماعی و انطباق با تغییراقلیم، نتانها بحران‌های خشکسالی و سیلاب کنترل نمی‌شوند، بلکه گروه‌های آسیب‌پذیر بیشترین فشار را تجربه خواهند کرد. تجربه‌های جهانی و داخلی نشان می‌دهد می‌توان با استفاده از دانش سنتی و سازه‌های تاریخی، تاب‌آوری و عدالت زیست‌محیطی را به‌طور پایدار برقرار کرد. «مناسعودی‌آشتیانی»، پژوهشگر حوزه آب و محیط‌زیست، تاب‌آوری در مدیریت آب را توانایی سیستم‌ها برای مقاومت، سازگاری و بازیابی در برابر خشکسالی، سیلاب، آلودگی و تغییراقلیم می‌داند. او از سیل اخیر یزد نام برد که با وجود شبکه قنات‌های پیشرفته، تخریب خانه‌های تاریخی، نشان‌دهنده ضعف در بهره‌برداری و مدیریت مدرن است. مسعودی تأکید می‌کند: «میراث آبی ایران شامل دانش، فناوری‌ها، سازه‌ها و آیین‌های مدیریت آب است که می‌تواند پایه‌ای برای تاب‌آوری پایدار باشد. تجربه‌های بین‌المللی، مانند سیستم سوپاک در بالی، پروژه‌های احیای رودخانه‌ها در چین و مالزی و استفاده از سازه‌های تاریخی در آلمان و ژاپن، نشان می‌دهند تلفیق دانش سنتی و مشارکت اجتماعی، کلید موفقیت در تاب‌آوری منابع آب است.»
«عدالت زیست‌محیطی به‌معنای دسترسی عادلانه همه افراد و جوامع به منابع سالم آب است؛ به‌طوری‌که گروه‌های آسیب‌پذیر قربانی خشکسالی، آلودگی یا بحران‌های اقلیمی نشوند.» این را مسعودی می‌گوید و سه بعد اصلی برای عدالت زیست‌محیطی معرفی می‌کند: «مورد اول عدالت توزیع است و به این معنی‌ست که منابع و مزایا و هزینه‌های زیست‌محیطی باید منصفانه تقسیم شوند. مورد دوم، عدالت رویه‌ای است و یعنی مشارکت معادار همه گروه‌ها در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی تضمین شود. مورد آخرعدالت بین نسلی است و به این معناست که از منابع برای استفاده پایدار نسل‌های آینده حفاظت شود؛ به‌گونه‌ای‌که مشکلات امروز به نسل‌های بعدی منتقل نشود.» او همچنین می‌گوید: «نمونه‌ای از عدم تحقق عدالت در سطح شهری، وضعیت جنوب تهران است که با مشکلات آبی و آلودگی بیشتری نسبت به مناطق شمالی مواجه است. بدون اجرای عملیاتی این اصول، منابع آب نفتنا به‌طور پایدار مدیریت نمی‌شوند، بلکه فشار و نابرابری بر گروه‌های کم‌قدرت بیشتر می‌شود.»

ارتباط متقابل تخریب لایه ازن و آلودگی هوا

شرکت کنترل کیفیت هوای تهران با صدور بیانیه‌ای به مناسبت روز جهانی حفاظت از لایه ازن آورده است: ارتباطی دوطرفه میان تخریب لایه ازن و آلودگی هوا وجود دارد؛ بسیاری از ترکیبات مخرب لایه ازن همزمان آلاینده‌های هوا و گازهای گلخانه‌ای قوی هستند. در این بیانیه آمده است: ۱۶ سپتامبر (۲۵ شهریور) به ابتکار سازمان ملل متحد و در پی تصویب پروتکل مونترال در سال ۱۹۸۷ به‌منوان «روز جهانی حفاظت از لایه ازن» نامگذاری شده است. این روز یادآور اهمیت حیاتی لایه ازن به‌عنوان سپری طبیعی در برابر پرتوهای مضر فرابنفش خورشید و نمادی از موفق‌ترین همکاری‌های بین‌المللی در حفظ محیط‌زیست است. لایه ازن موجود در استراتوسفر با جذب پرتو فرابنفش، زمین و زیستمدان را از اثرات خطرناکی همچون سرطان پوست، آب‌مروارید، تضعیف سیستم ایمنی و آسیب به اکوسیستم‌ها محافظت می‌کند. در مقابل، ازن موجود در تروپوسفر، یعنی نزدیک سطح زمین نذتها مفید نیست بلکه یک آلاینده ثانویه بسیار زیانبار است که می‌تواند موجب تحریک دستگاه تنفسی و تشدید بیماری‌های قلبی و ریوی شود. تخریب لایه ازن علاوه‌بر افزایش نفوذ پرتوهای فرابنفش، پیامدهای اقلیمی قابل‌توجهی دارد. کاهش ازن استراتوسفری باعث تغییر توزیع دما در لایه‌های بالایی جو می‌شود که این امر الگوهای جوی، گردش بادها، بارش‌ها و اقلیم منطقه‌ای را دستخوش تغییر می‌کند. همچنین، ارتباطی دوطرفه میان تخریب لایه ازن و آلودگی هوا وجود دارد. بسیاری از ترکیبات مخرب لایه ازن همزمان آلاینده‌های هوا و گازهای گلخانه‌ای قوی هستند. افزایش دما و تغییراقلیم ناشی از این ترکیبات، تشکیل آلاینده‌هایی همچون ازن سطحی و ذرات معلق را تشدید می‌کند و کیفیت هوا را کاهش می‌دهد. بنابراین، تخریب لایه ازن، آلودگی هوا و تغییراقلیم سه بحران زیست‌محیطی بهمپیوسته‌اند که مقابله هم‌زمان با آنها برای حفظ سلامت کره زمین ضروری است. |ايسنا



| مصاحبه با زهرا نیلی |



| زهرا نیلی | روزنامه‌نگار

نوجوانان با خواندن آثار آراین، هم سرگرم می‌شوند، هم لایه‌هایی از فرهنگ خود را می‌شناسند؛ بی‌آنکه احساس کنند در حال گذراندن درس تاریخ‌اند. این شیوه، نسل تازه را با میراث‌فرهنگی نه به‌عنوان چیزی دور از دسترس، بلکه به‌عنوان بخشی از زندگی آشنا می‌کند. «پیام ما» به گفت‌وگو با آراین، نامزد دریافت جایزه استرید لیندگرن ۲۰۲۶ و نویسنده کتاب‌هایی چون «پارسیان و من» و مجموعه «پتش‌خوارگر» نشست است که در ادامه می‌خوانید:

شما در بسیاری از کارهایتان به اسطوره‌ها پرداخته‌اید. این علاقه به متن‌های کهن از کجا می‌آید؟

علاقه من به متون کهن، شاید به روزگار کودکی‌ام، نگاه خانواده به تاریخ و کتاب‌هایی بازمی‌گردد که در کتابخانه‌مان بود. نیای چهارم من از سوی مادری، «میرزا محمدصادق»، وقایع‌نگار فرۆزی و موزخ جنگ‌های ایران و روس بود. این نوشته‌ها به پدربزرگم شادروان «حسین آذر» و سپس دایی‌ام، «امیرحوشنگ آذر» رسید و او آنها را به‌صورت کتاب منتشر کرد. بنابراین، یک نگاه تاریخی و علاقه به اساطیر، همواره در نزدیکان من وجود داشته است.

پیش از شناخت فردوسی بزرگ و اثر سترگ او، من با دوجلدی «داستان‌های ایران باستان» و «داستان‌های شاهنامه» اثر «احسان یارشاطر» آشنا شدم و درواقع یارشاطر پُلی بود که مرا به شاهنامه رساند. «مهدی آذریزدی» مرا به دیگر متون کهن نزدیک کرد. اتفاق بزرگ دیگری که هم‌زمان در نوجوانی‌ام رقم خورد، این بود که مرحوم برادر بزرگم با استاد «جلیل دوستخواه» آشنا شد و متن اوستا بدین شکل وارد خانه ما شد. اینکه استادی در اندازه‌های جلیل دوستخواه، با چه حوصله‌ای در نامه‌هایشان که هر یک خود اثری ادبی بود، پاسخ پرسش‌های یک نوجوان یعنی برادرم «أمید» می‌داد، خود برای من، به‌معنای فهم ادبیات راستین در جریان زندگی بود. به جرئت می‌گویم پس از یارشاطر و آذریزدی، دوستخواه مؤثرترین شخصیت فرهنگی در

زندگی من بود و چه خوب که یادداشتی هم بر سه‌گانه «پارسیان و من» نوشت.

دکتر «محمدعلی اسلامی نُدوشن»، نگاه من به ایران پیش و پس از اسلام را متعادل کرد و از ایشان –چه ضروری و چه از کتاب‌هایشان– درباره شاهنامه، تاریخ ایران و مهم‌تر، فهم میانه‌روی و انصاف فرهنگی، بسیار آموختم. «بهرام بیضایی» با «چریکه تارا» و «مرگ یزدگرد» اش و استادم «محمدرضا اصلانی» با نگاه ویژه‌اش به هنر، عرفان و فلسفه تاریخ بر این قلم اثر زرف نهادند. از کتاب‌های بزرگان دیگری همچون شادروان «مهرداد بهار» نیز بی‌مستقیم بسیار آموختم.

همه این عوامل دست‌به‌دست هم دادند تا آراین در جایگاه یک نویسنده با بازآفرینی متون کهن، داستان‌هایی بنویسد که برای نوجوانان امروزی جذاب است؟
شاید این جذابیت به نوع نگاه این قلم، به هستی و حقیقتی که به آن باور دارد، وابسته است. درواقع، نوع نوشتن من جوششی است و بیشتر داستان‌های بلندم، حتی چندجلدی‌ها، بیش از آنکه کوششی باشند، به‌صورت شهودی نوشته شده‌اند. برای مثال، من در یک دوران غوطه‌ور می‌شوم؛ خردم و دوربین چشمانم را –شاید کمی هم متأثر از سینمایی که خوانده‌ام– در آن عصرها می‌کنم و بعد آرام‌آرام آن جهان جان می‌گیرد. یعنی من کاراکترهایم را مجبور نمی‌کنم کاری را انجام دهند که من دستور می‌دهم. آنها زندگی خود را دارند. نتیجه این می‌شود که مخاطب، حس زنده و بصری تصاویر و صحنه‌ها را می‌گیرد و با شخصیت‌ها ارتباط برقرار می‌کند. بنابراین، من با موتور ادبیات کهن به‌شکل یک‌سری واژه‌های کهنه که دیگر به کار نمی‌آیند، رفتار نمی‌کنم.

بنابراین، به‌روز کردن را لازمه یک بازآفرینی موفق می‌دانید؟

هیچ قاعده غیرقابل‌تغییری در بازنویسی یا بازآفرینی وجود ندارد. بعضی متون، نیاز بیشتری به تغییر دارند،

گفت‌وگوی «پیام ما» با «آرمان آراین» درباره بازآفرینی متون کهن

وقتی پروفایل نوجوانان «پتش‌خوارگر» می‌شود



میراث‌فرهنگی تنها در معماری و نقش‌ونگارها خلاصه نمی‌شود؛ بخش مهمی از آن در روایت‌ها و اسطوره‌هاست. متون کهن و افسانه‌ها، گنجینه‌هایی هستند که هویت ایرانی را شکل داده‌اند. اما نوجوانی که در عصر دیجیتال زندگی می‌کند، با چه زبانی می‌تواند با این میراث ارزشمند پیوند برقرار کند؟ «آرمان آراین» در آثار خود به این پرسش، پاسخ داده است. او به بازنویسی اسطوره‌ها بسنده نکرده و به ساختن جهانی برایه اساطیر پرداخته که با زبان نوجوان امروز، هماهنگ باشد. شخصیت‌های شاهنامه و داستان‌های اوستا در آثار آراین، تنها در حد نام و نشانه باقی نمی‌مانند، بلکه بر بستری تازه از ماجرا‌ها جان می‌گیرند و با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند که برای نوجوان امروز هم قابل‌درک است؛ مثل دوستی، خیانت، وفاداری یا پرسش از هویت. این‌گونه است که اسطوره‌ها از قفسه کتابخانه‌ها بیرون می‌آیند و به تجربه زیسته نسل تازه گره می‌خورند.

درحالی‌که این نیاز در جاهای دیگر، ممکن است کمتر احساس شود. حتی در برخی موارد، خلّایی وجود دارد که نویسنده باید آن را پُر کند. مهم این است که ما به روح اثر دست پیدا کنیم. وقتی عاشق یک متن شویم و زیر و بم‌اش را بشناسیم، احتمال خطا کمتر می‌شود. البته هیچ‌چیز مطلق وجود ندارد و همه‌چیز در جهان آفریش، نسبی است. مثلاً نمی‌توانیم بگوییم که تنها نگاه درست به رستم، همین زاویه‌دید من است! رستم به‌عنوان یک شخصیت می‌تواند بارها مورد بازآفرینی قرار بگیرد و هرکس با جهان‌بینی خود با او روبه‌رو شود. صدها سال است که هر کسی، برداشت خودش را از شاهنامه دارد و این روال، به همین شکل باقی خواهد ماند.

بنابراین از نگاه من، بازآفرینی، یک‌جور زیستن در اثر اصلی و هماهنگ‌کردن آن با روح زمانه و زندگی هم‌اینک است. انسان امروزی، من پررنگ‌تری دارد، بر بلندای تاریخ ایستاده و هم به پشت‌سر و هم به آینده‌اش نگاه می‌کند. گذشته، حال و آینده را با افق دید گسترده‌تری می‌نگرد و این نگاه به من‌هایی که «پارسیان و من» یا نوشته‌های دیگرم را روایت می‌کنند، اثر می‌گذارد. این «من»، همان روح زمانه است که می‌پالاید، آنچه در گذشته است را به حرکت درمی‌آورد، از زمان حال عبور می‌دهد و به آینده می‌رساند.

آیا منظور شما از به‌روز کردن متون کهن، هماهنگ کردنشان با شرایط اجتماعی امروز است؟

درست است که یک روز با اسب و شتر سفر می‌کردیم و امروز سوار ماشین و قطار و هواپیما می‌شویم و شاید در آینده نزدیک از سفینه‌های فضایی استفاده کنیم، اما احساسات بشری، مشترک‌اند و نیازهای اساسی انسان همچون شفتت یا میل به توجه و... در سرتاسر زمان‌ها، ثابت می‌ماند. پس ما می‌توانیم «عصاره‌گیری» کنیم و این عصاره‌گیری، قانون سفت و سختی ندارد، فقط شدت آن است که در هر زمان و مکانی دگرگون می‌شود.

شما نوجوان‌ها را با اسطوره‌ها آشتی داده و امسال، نامزد دریافت جایزه «آسترید لیندگرن» شده‌اید. فکر می‌کنید ادبیات اسطوره‌ای ما تا چه اندازه برای مردم جهان، جذابیت دارد؟

ادبیات اساطیری برای مردم دنیا به‌اندازه‌ای گیراست که هالیوود و شبکه‌های مهم و بزرگ تلویزیونی، هر سال در این زمینه سرمایه‌گذاری می‌کنند. درست است که بیشتر این فیلم‌ها براساس اسطوره‌ها و حماسه‌های غربی هستند، اما اخیراً نمونه‌های شرقی را هم می‌توان دید. جدای از اینکه چین، ژاپن، هند و ترکیه به معرفی اساطیر خود می‌پردازند، هالیوود هم به اسطوره‌های شرقی توجه بیشتری دارد و این نشان‌دهنده گرایش مردم به این گونه ادبی است. در کشور ما هم وقتی یک سریال ترکیه‌ای، مربوط به دوران عثمانی یا یک مجموعه از تاریخ کهن گره پخش می‌شود، توجه مخاطبان را جلب می‌کند. پس طبیعی است که ساخت و پخش یک مجموعه ارزشمند و خوش‌ساخت از تاریخ ایران باستان، بدون تحریف‌ها و سوءاستفاده‌های سیاسی و حکومتی بتواند جذاب و پرفروش باشد. البته اراده‌ای برای این کار وجود ندارد. مثلاً کوروش بزرگ یکی از پادشاهان ایران است که شهرتی عالمگیر دارد، چرا صداوسیما در این پنج دهه، حتی یک فیلم درباره‌اش نساخته؟! حقیقتاً مردم جهان و حتی ایران که هرکول را مثل یکی از بستگانشان می‌شناسند، تا چه اندازه با رستم آشنا هستند!؟

برخی فانتزی را گریزگاه می‌دانند و بر این باورند که آدم‌ها در شرایط سخت به آن پناه می‌برند. نگاه شما به فانتزی چگونه است؟

«فانتزی؛ یعنی گریزگاه» جمله چشنگی است و شاید برای برخی، این‌طور باشد؛ زیرا فانتزی را جدای از واقعیت می‌دانند. اما فانتزی برای من، واقعیت خودش را می‌سازد، بنابراین بخشی از واقعیت است. مثلاً وقتی به دنبایی که در «جنگ ستارگان» شکل گرفته گام می‌نهم، آن را به‌عنوان یک جهان کامل می‌پذیریم و با غم و شادی‌اش همراه می‌شویم. من فانتزی را نه گریزگاه بلکه، بخشی عجیب از واقعیت می‌دانم که قوادش در خودش ساخته شده است.

چرا عنوان بعضی شخصیت‌ها و داستان‌های آرمان آراین، این اندازه دشوار یا دور از ذهن است؟ مثلاً «آشوزدنگه»، «آشوزنگه»، «وسپویش» و...
همیشه انتخاب نام چه برای کتاب و چه برای فصولش، برایم جذاب بوده. باور کنید این بخش هم جوششی برآمده از ذات داستان است، نه از روی یک قاعده و قانون خشک.

«آشوزدنگه»، نخستین تجربه من در انتخاب نام‌های دشوار بود که سبب شد وقتی مخاطب از جلوی اسم کتاب رد می‌شود، لحظه‌ای بایستد و با خود و دانسته‌هایش دست‌وپنجه نرم کند. به هوش نوجوان‌هایمان ایمان دارم. ضمن اینکه نوجوان‌های ما در برخورد با فلان فانتزی غربی یا شرقی، اسما‌ها که هیچ، شماره‌شناسانه کاراکترها را هم حفظاند، چطور نوبت به فرهنگ خودمان که می‌رسد، اسامی سخت می‌شود؟! البته بخشی از این مشکل به ضعف سیستم آموزشی ما هم برمی‌گردد که بحث‌اش مفصل است.

همچنین، این نوع نام‌گذاری‌ها، فرهنگ ایرانی و شخصیت‌های فراموش‌شده‌اش را دوباره زنده می‌کنند. نام‌های ایرانی تکرارشده چون سهراب، ارش و سیاوش گرچه همگی ارجمندند، اما هرکدام افق روایی و پس‌زمینه‌های تاریخی خودشان را دارند. درحالی‌که نام‌های منحصربه‌فرد پتش‌خوارگر و آشوزدنگه که پیش‌تر شنیده نشده‌اند، هم بار عاطفی خاص خود را به شخصیت می‌بخشند؛ ما موجب جلب‌توجه دوچندان مخاطبان می‌شوند. جالب اینکه پیش از انتشار «آشوزدنگه» هیچ اطلاعاتی درباره این واژه در گوگل نبود و حالا صفحات بسیاری درباره این نام کهن نوشته‌اند و من غرق شادی می‌شوم وقتی که می‌بینم نام پروفایل بعضی نوجوان‌های ما آشوزدنگه، پتش‌خوارگر یا شخصیت‌های دیگر این کتاب‌هاست.

مرحله دوم

آکهی مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ب/ ۵۲-۱۴۰۴/۶۱



شرکت آب و فاضلاب استان کرمان در نظر دارد مناقصه عمومی خرید لوله آبد و متعلقات را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره ۰۵۷۰۰۹۶۶۳۰۰۱۱۵۷ برگزار نماید کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی راجعت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ می باشد.

مبلغ برآورد ۴۷,۱۷۵,۰۰۰,۰۰۰ پال

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲,۳۸۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت ضمانت بانکی (فرایند ارجاع کار) در وجه شرکت آب و فاضلاب استان کرمان

ضمانتنامه فوق باید به مدت ۱۰۰ روز اعتبار داشته باشد و برای سه ماه نیز قابل تمدید باشد .

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت : مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ لغایت ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد : ساعت ۱۹ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

آخرین مهلت تحویل پاکت (الف) : به صورت حضوری ساعت ۱۳ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان

تاریخ بازگشایی پاکت : ساعت ۸:۱۵ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۲

محل تامین اعتبار : منابع عمرانی

تعداد شرکت کنند در مناقصه : ۱ شرکت

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت ها

آدرس : کرمان بلوار ۲۲ بهمن شرکت آب و فاضلاب استان کرمان تلفن: ۰۳۴-۳۳۲۲۲۹۶۰

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه مرکز تماس ۰۲۱۴۹۱۹۳۴

دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۸ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۶/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

مدیریت روابط عمومی و آموزش همگانی

عکس نوشت

عکاس: سید مصطفی طهرانی - تسنیم



سد نفور با چشم‌اندازهای بکر جنگل‌های هیرکانی و آب آرام خود، یکی از زیباترین جاذبه‌های طبیعی مازندران است که هر ساله گردشگران زیادی را به سوی خود می‌کشاند.

حاشیه

حواشی «بمرانی» در شیراز



گروه موسیقی «بمرانی» بدلیل آنچه «رفتارهای هنجارشکنانه» در کنسرت ۲۲ شهریور در شیراز عنوان شده، تا اطلاع ثانوی از اجرای برنامه در شیراز و استان فارس محروم شد. «مهدی رنجبر»، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، با اعلام این خبر گفت این گروه پیش‌تر نیز با اجرای قطعه‌های خاص باعث تحریک برخی مخاطبان به رفتارهای خارج از عرف شده بود. او همچنین از اعمال تذکر انضباطی به محل برگزاری خبر داد و گفت بمرانی تا اطلاع ثانوی در این استان مجوز اجرا نخواهد گرفت. امهر

سینما

حمایت «خاویر باردِم» از فلسطین در «امی»



«خاویر باردِم»، بازیگر سرشناس اسپانیایی، در مراسم امی ۲۰۲۵ با پوشیدن جفیه و اعلام حمایت از جنبش «سینماگران برای فلسطین»، نسل‌کشی در غزه را محکوم کرد. او گفت حاضر نیست با هیچ نهاد یا فردی که از این جنایت حمایت می‌کند، همکاری داشته باشد. باردِم و حدود ۳۹۰۰ سینماگر، بیانیه‌ای را علیه مشارکت شرکت‌های اسرائیلی در نسل‌کشی امضا کرده‌اند. او تأکید کرد هدف این اقدام، مقابله با نهادهایی است که سفیدشویی و توجیه آپارتاید را در دستورکار دارند، نه افراد براساس ملیت، اترایتی

چهره

«سیروس پرهام»، از نخستین ویراستاران ایران، درگذشت

میراث‌دار واژه‌ها



سال ۱۳۵۹ ریاست این سازمان را برعهده داشت و هم‌زمان عضو هیئت‌مدیره موزه فرش ایران و معاون دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی نیز بود. او در بهمن ۱۳۵۹ از فعالیت‌های دولتی بازنشسته شد. در سال ۱۳۹۹ با قصد و نود و چهارمین شب از شب‌های بخارا که به بزرگداشت سیروس پرهام اختصاص داشت، به‌صورت مجازی برگزار شد. «ایرج پارس‌نژاد» در این نشست درباره پرهام گفته بود تا پیش از اقدام پرهام در راستای حفظ و نگهداری اسناد ملی، موضوع اهمیت حفظ این اوراق برای مسئولان امر مطرح نبود و از آنها برای سوخت استفاده می‌شد، که با همت سیروس پرهام این مرکز راه‌اندازی شد و آرشیو ملی در ایران پدید آمد. پرهام از نخستین ویراستاران ایرانی و اولین ویراستار مؤسسه انتشارات فرانکلین (علمی و فرهنگی امروز) بود. او با همراهی افرادی همچون «منوچهر انور»، «کریم امامی» و «نجف دریابندری» علم ویرایش را توسعه و ترویج داد. او در یکشنبه ۹ آبان ۱۳۹۵، به‌همراه «مهدی قنوتی» و «مهناز مقدسی» انجمن صنفی ویراستاران را تأسیس کردند. از آثار سیروس پرهام می‌توان به «تالیسم و ضدتالیسم در ادبیات»، «کتاب‌هایی که دنیا را تغییر دادند» (ویراستار)، «دست‌افشای عشابری و روستایی فارس» (با همکاری «سیاوش آزادی»)، «شاهکارهای فرش‌بافی فارس»، «گزیده اشعار واکت ویتمن» و «ای آنکه اکنون مرا در دست داری» اشاره کرد. همچنین، در سال ۹۹ انتشارات علمی و فرهنگی مجموعه کاملی از نخبان‌های سیروس پرهام را در کتابی با عنوان «همگام با زمانه» منتشر کرد. او که در هنرشناسی نیز دستی داشت، سرپرستاری مجموعه ۱۵جلدی «سیری در هنر ایران» نوشته «آرتور ایهم پوپ» و همسرش «فیلیس اکرم‌ن» را در انتشارات علمی و فرهنگی برعهده داشته است. همسر پرهام در گفت‌وگو با ایننا گفته است براساس وصیت آن مرحوم، پیکرش در صحن امامزاده طاهر کرج آرام خواهد گرفت.

تقویت حس تعلق و مسئولیت نسبت به طبیعت

اکوشعر؛ پلی میان ادبیات و آگاهی محیط‌زیستی



علی ملازاده | روزنامه‌نگار

می‌تواند حس تعلق و مسئولیت نسبت به محیط‌زیست را افزایش دهد. این حس تعلق بنوعی خود می‌تواند به تغییر رفتار و گرایش‌های محیط‌زیستی منجر شود. به‌عنوان‌مثال، شاعران محیط‌زیست با توصیف آسیب‌پذیری جنگل‌ها، رودخانه‌ها یا گونه‌های در معرض خطر، مضاف بر اینکه مخاطب را نسبت به موضوع حساس می‌کنند، انگیزه‌ای هم برای مشارکت فعال در حفاظت از محیط‌زیست فراهم می‌آورند. بنابراین، اکوشعر را می‌توان به‌مثابه یک ابزار تربیت محیط‌زیستی و آموزشی تلقی کرد.

شعر محیط‌زیستی با بهره‌گیری از زبان استعاری و تصاویر قوی، پیام‌های اخلاقی و اجتماعی را به‌شکلی قابل‌دسترس به جامعه منتقل می‌کند. این ویژگی باعث می‌شود مفاهیم پیچیده محیط‌زیستی مانند تغییراقلیم، آلودگی هوا و آب و تخریب زیستگاه‌ها به زبان ملموس و تأثیرگذار تبدیل شوند. افزون براین، اکوشعر می‌تواند نقش همبستگی اجتماعی را تقویت کند؛ جامعه‌ای که از طریق زبان هنر با موضوعات محیط‌زیستی درگیر می‌شود، احتمال مشارکت فعال در اقدامات حفاظتی جمعی را افزایش می‌دهد.

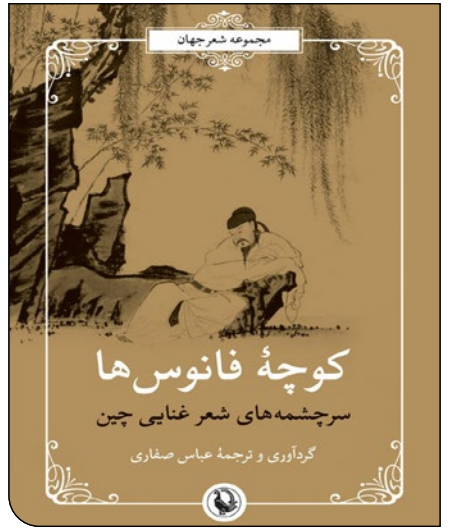
یکی دیگر از جنبه‌های مهم اکوشعر، نقد سیاست‌ها و اقدامات انسانی است که به تخریب محیط‌زیست منجر می‌شوند. شاعران محیط‌زیست، با بهره‌گیری از توانایی بیان هنری، سیاست‌ها و رفتارهای مخرب اقتصادی، صنعتی و اجتماعی را به چالش می‌کشند و مخاطب را به تفکر و بازنگری در رفتار خود ترغیب می‌کنند. این نوع شعر، برخلاف گزارش‌های علمی که غالباً بر داده‌ها

طبیعت ترغیب کند. از منظر تاریخی، ریشه‌های اکوشعر را می‌توان در ادبیات رمانتیک اروپا جستجو کرد. شاعران رمانتیک مانند «ولیمز یوردزورث» و «پرسی بیش شلی» با تأکید بر طبیعت به‌عنوان منبع الهام و عنصر فرهنگی، حساسیت انسان نسبت به محیط‌زیست را تقویت کردند. با گذر زمان و هم‌زمان با شکل‌گیری جنبش‌های مدرن محیط‌زیستی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، اکوشعر به‌شکل آگاهانه‌تری توسعه یافت. این توسعه به‌معنای استفاده از شعر به‌عنوان ابزاری برای بیان نگرانی‌های محیط‌زیستی، نقد سیاست‌های تخریبگر محیط‌زیست و برجسته‌کردن پیامدهای منفی فعالیت‌های انسانی بود. در این دوره، شعر محیط‌زیستی علاوه بر اینکه جلوه‌ای هنری داشت، حامل پیام اخلاقی و اجتماعی نیز شد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اکوشعر، توانایی آن در ایجاد ارتباط احساسی میان خواننده و طبیعت است. پژوهش‌های روانشناختی نشان داده‌اند مواجهه با تصاویر شاعرانه طبیعت

قیسه

کوچه فانوس‌ها



بیان می‌کنند. ترجمه روان و شاعرانه عباس صفاری نیز باعث شده است این سروده‌های کهن، طراوتی امروزی برای خوانندگان فارسی‌زبان داشته باشند. «کوچه فانوس‌ها» نعتیای مجموعه‌ای از زیباترین نمونه‌های شعر غنایی چین است، بلکه پلی میان فرهنگ شرق دور و ادبیات فارسی به‌شمار می‌آید. اگر به‌دنبال سفری شاعرانه به دل تاریخ و فرهنگ چین هستید، این کتاب می‌تواند فانوسی برای روشن کردن مسیر شما باشد. این کتاب برای علاقه‌مندان به شعر کلاسیک و غنایی، پژوهشگران ادبیات تطبیقی و دوستداران فرهنگ و هنر شرق دور مناسب است. همچنین کسانی که به‌دنبال تجربه‌ای متفاوت از شعر عاشقانه و طبیعت‌محور هستند، می‌توانند با این مجموعه ارتباطی عمیق برقرار کنند.

کتاب «کوچه فانوس‌ها؛ سرچشمه‌های شعر غنایی چین» با گردآوری و ترجمه «عباس صفاری» از سوی نشر مروارید به چاپ رسیده است. در معرفی این کتاب آمده است: «این اشعار، بازتابی از فرهنگ و احساسات انسانی در سرزمین چین باستان‌اند؛ جایی که عشق، طبیعت، دل‌تنگی، آیین‌ها و زیبایی زندگی روزمره با زبانی ساده اما سرشار از تصویر به شعر بدل شده است. مترجم با دقت در انتخاب و برگردان، فضایی شاعرانه آفریده که روح شرقی این اشعار را برای خواننده فارسی‌زبان حفظ می‌کند.»

ویژگی برجسته این کتاب، سادگی و ایجاز در عین ژرفا است. این اشعار با بهره‌گیری از عناصر طبیعت -مانند ماه، رودخانه، بید و باران- مفاهیم انسانی چون عشق، جدایی، امید و دل‌تنگی را